

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به پایه‌گذار دانشگاه امام صادق (ع)

حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی دامت برکاته

مربی فرزانه‌ای که با سائقه‌ی اخلاص و سرمایه‌ی معنوی توکل، درایت و پشتکار
نهالی مقدس را نشانده که بنیادی استوار و سیراب از چشمه جاودان قرآن و مکتب
پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) دارد و شاخسار آن روبه آسمان، هر دم برمی‌دهد.

زندگی فرسنگی و اندیشه سیاسی شیعیان

از سقوط بغداد تا ظهور صفویه

«۶۵۶-۹۰۷ ق»

«ویراست جدید»

دکتر محسن الویری

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
فصل ۱. کلیات.....	۱۹
۱-۱. نگاهی کوتاه به تاریخ شیعه.....	۱۹
۲-۱. این کتاب و جایگاه آن در مطالعات تاریخ شیعه.....	۲۴
۳-۱. بحثی در منابع.....	۲۸
۴-۱. مروری کوتاه بر اوضاع و احوال سیاسی دوره بررسی شده.....	۳۳
۱-۴-۱. ایلخانان (۶۵۴-۷۴۴ق).....	۳۵
۲-۴-۱. کینخواریه = کندخواریه (۶۳۵-۷۵۰ق).....	۳۸
۳-۴-۱. جستانیه (۶۰۶-۸۵۷ق).....	۳۸
۴-۴-۱. قراختائییه کرمان = قتلغ خانان = آل براق (۶۱۹-۷۰۳ق).....	۳۸
۵-۴-۱. اتابکان یزد (؟-۶۷۳ق).....	۳۹
۶-۴-۱. اتابکان شبانکاره (۴۴۸-پس از ۶۶۸ق).....	۳۹
۷-۴-۱. سلغوریان = سلغوریان = اتابکان فارس (۵۴۲-۶۸۵ق).....	۳۹
۸-۴-۱. اتابکان لرستان بزرگ = بنی فضلویه = هزاراسپیون = هزاراسپیون (۵۴۳-۸۲۷ق).....	۴۰
۹-۴-۱. اتابکان لرستان کوچک = بنی خورشید (۵۹۱-۱۰۰۵ق).....	۴۰
۱۰-۴-۱. پادشاه کرت (۶۴۳-۷۸۴ق).....	۴۰
۱۱-۴-۱. چوپانیان (؟-۷۵۹ق).....	۴۱
۱۲-۴-۱. بنو اینجو (۷۰۳-۷۵۸ق).....	۴۱
۱۳-۴-۱. مظفریان (۷۱۳-۷۹۵ق).....	۴۲
۱۴-۴-۱. سرداران (۷۳۷-۷۸۳ق).....	۴۳

- ۱-۴-۱۵. سادات قوامیه = مرعشیان = میربزرگیه (۷۶۰-۱۰۰۵ق.)..... ۴۴
- ۱-۴-۱۶. کارکیانیان = امیرکیانیان = ملاطیه (۷۶۰-۹۹۹ق.)..... ۴۴
- ۱-۴-۱۷. اسحاقیه (؟- ۹۹۹ق.)..... ۴۵
- ۱-۴-۱۸. جلاپریان = ایلکانیان (۷۳۷-۸۳۵ق.)..... ۴۵
- ۱-۴-۱۹. خاندان صفی (۷۳۶-۸۱۵ق.)..... ۴۶
- ۱-۴-۲۰. مشعشیان..... ۴۶
- ۱-۴-۲۱. قراقوینلوها (۷۸۲-۸۷۴ق.)..... ۴۷
- ۱-۴-۲۲. آق قویونلوها = بایندریه (۸۰۶-۹۱۴ق.)..... ۴۷
- ۱-۴-۲۳. تیموریان (۷۷۱-۹۱۶ق.)..... ۴۸
- ۱-۴-۲۴. دیگر حکومت‌های محلی..... ۴۹

فصل ۲. گزارش و تحلیلی از تالیفات شیعی در این دوره..... ۵۱

- ۲-۱. تفسیر و علوم قرآنی..... ۵۱
- ۲-۲. حدیث..... ۵۵
- ۲-۳. فقه..... ۵۹
- ۲-۴. اصول فقه..... ۶۷
- ۲-۵. کلام..... ۶۹
- ۲-۶. عرفان و تصوف..... ۷۸
- ۲-۷. اخلاق..... ۸۹
- ۲-۸. سیاست و آداب ملک‌داری..... ۹۲
- ۲-۹. ادعیه، زیارات و آداب دینی..... ۹۲
- ۲-۱۰. منطق..... ۹۹
- ۲-۱۱. فلسفه..... ۱۰۱
- ۲-۱۲. تاریخ و نسب‌شناسی..... ۱۰۵
- ۲-۱۳. رجال..... ۱۱۴
- ۲-۱۴. زبان‌شناسی عربی..... ۱۱۶
- ۲-۱۵. ادبیات..... ۱۱۷
- ۲-۱۶. علوم..... ۱۳۵
- ۲-۱۷. معمانویسی..... ۱۳۸
- ۲-۱۸. جُنُگ‌های علمی..... ۱۴۰

۱۴۳	فصل ۳. فعالیتهای آموزشی.....
۱۴۳	۱. حفظ چارچوب مطالب متناسب با هدف اصلی اثر.....
۱۴۴	۲. کم بودن نسبی اطلاعات در باره نهادهای آموزشی شیعی در این دوره.....
۱۴۴	۳. یکسان بودن اغلب ویژگیها و روشهای آموزشی نزد اهل سنت و شیعیان.....
۱۴۵	۳-۱. پراکندگی جغرافیایی فعالیتهای آموزشی شیعه.....
۱۴۵	۳-۱-۱. حله.....
۱۴۶	۳-۱-۱-۱. علم دوستی و ادب دوستی و عالم نوازی امرای مزیدی حله.....
۱۴۶	۳-۱-۱-۲. شرایط جغرافیایی.....
۱۴۶	۳-۱-۱-۳. نزدیکی به نجف اشرف.....
۱۵۷	۳-۱-۲. نجف اشرف.....
۱۶۰	۳-۱-۳. دیگر شهرها.....
۱۶۱	۳-۱-۳-۱. آمل.....
۱۶۱	۳-۱-۳-۲. آوه.....
۱۶۱	۳-۱-۳-۳. اردبیل.....
۱۶۱	۳-۱-۳-۴. استرآباد.....
۱۶۲	۳-۱-۳-۵. اسفراین.....
۱۶۲	۳-۱-۳-۶. اصفهان.....
۱۶۳	۳-۱-۳-۷. بغداد.....
۱۶۳	۳-۱-۳-۸. تبریز.....
۱۶۴	۳-۱-۳-۹. جرجان (گرگان).....
۱۶۴	۳-۱-۳-۱۰. ری.....
۱۶۴	۳-۱-۳-۱۱. ساری.....
۱۶۴	۳-۱-۳-۱۲. ساوه.....
۱۶۴	۳-۱-۳-۱۳. سبزوار.....
۱۶۵	۳-۱-۳-۱۴. سلطانیه.....
۱۶۶	۳-۱-۳-۱۵. شاهرود.....
۱۶۶	۳-۱-۳-۱۶. شیراز.....
۱۶۷	۳-۱-۳-۱۷. قم.....
۱۶۸	۳-۱-۳-۱۸. کازرون.....
۱۶۸	۳-۱-۳-۱۹. کاشان.....

- ۱۶۹.....کربلا. ۲۰-۳-۱-۳
- ۱۶۹.....گرگان ← جرجان. ۲۱-۳-۱-۳
- ۱۶۹.....مشهد. ۲۲-۳-۱-۳
- ۱۷۰.....موصل. ۲۳-۳-۱-۳
- ۱۷۱.....ورامین. ۲۴-۳-۱-۳
- ۱۷۱.....یزد. ۲۵-۳-۱-۳
- ۱۷۱.....رصدخانه مراغه. ۲-۳
- ۱۷۷.....دارالسیاده‌ها. ۳-۳
- ۱۷۸.....مدرسه سیار یا مدرسه سیار سلطانی. ۴-۳
- ۱۸۱.....رساله‌ای در وصف مدرسه سیار. ۱-۴-۳
- ۱۸۱.....صفت مدرسه سیار سلطانی. ۱-۱-۴-۳
- ۱۸۳.....اجازات. ۵-۳

فصل ۴. ابنیه و اوقاف

- ۱۹۱.....
- ۱۹۲.....آمل. ۱-۴
- ۱۹۳.....ابرقو. ۲-۴
- ۱۹۳.....ابهر. ۳-۴
- ۱۹۳.....اردبیل. ۴-۴
- ۱۹۴.....اردستان. ۵-۴
- ۱۹۴.....اصفهان. ۶-۴
- ۱۹۵.....بابل. ۷-۴
- ۱۹۶.....بابلسر. ۸-۴
- ۱۹۶.....بروجرد. ۹-۴
- ۱۹۶.....بغداد. ۱۰-۴
- ۱۹۷.....بومهن. ۱۱-۴
- ۱۹۷.....بهشهر. ۱۲-۴
- ۱۹۷.....تالش. ۱۳-۴
- ۱۹۸.....تبریز. ۱۴-۴
- ۱۹۸.....تفرش. ۱۵-۴
- ۱۹۹.....تهران. ۱۶-۴

فهرست مطالب □ ۹

۲۰۰.....	۱۷-۴. حلّه
۲۰۰.....	۱۸-۴. خارک
۲۰۱.....	۱۹-۴. خوانسار
۲۰۱.....	۲۰-۴. دامغان
۲۰۱.....	۲۱-۴. دزفول
۲۰۲.....	۲۲-۴. ده بید فارس
۲۰۲.....	۲۳-۴. رانکوه
۲۰۲.....	۲۴-۴. ری
۲۰۴.....	۲۵-۴. زنجان (سلطانیه)
۲۰۴.....	۲۶-۴. ساری
۲۰۵.....	۲۷-۴. سامرا
۲۰۶.....	۲۸-۴. ساوه
۲۰۶.....	۲۹-۴. سبزوار
۲۰۶.....	۳۰-۴. سوادکوه
۲۰۷.....	۳۱-۴. شوشتر
۲۰۷.....	۳۲-۴. شیراز
۲۰۹.....	۳۳-۴. صابین قلعه
۲۰۹.....	۳۴-۴. فراهان
۲۰۹.....	۳۵-۴. قائم شهر (شاهی)
۲۱۰.....	۳۶-۴. قزوین
۲۱۱.....	۳۷-۴. قشم
۲۱۱.....	۳۸-۴. قم
۲۱۵.....	۳۹-۴. قمشه (شهررضا)
۲۱۵.....	۴۰-۴. کاشان
۲۱۷.....	۴۱-۴. کاظمین
۲۱۸.....	۴۲-۴. کجور
۲۱۹.....	۴۳-۴. کربلا
۲۲۰.....	۴۴-۴. کرمان
۲۲۱.....	۴۵-۴. کلاردشت
۲۲۱.....	۴۶-۴. کوفه
۲۲۱.....	۴۷-۴. گرگان

۲۲۱.....	۴۸-۴. لاریجان.....
۲۲۲.....	۴۹-۴. لاهیجان.....
۲۲۳.....	۵۰-۴. محلات.....
۲۲۳.....	۵۱-۴. مراغه.....
۲۲۴.....	۵۲-۴. مشهد.....
۲۲۶.....	۵۳-۴. ممسنی.....
۲۲۷.....	۵۴-۴. نجف.....
۲۲۹.....	۵۵-۴. نراق.....
۲۳۰.....	۵۶-۴. نطنز.....
۲۳۰.....	۵۷-۴. نور.....
۲۳۱.....	۵۸-۴. ورامین.....
۲۳۱.....	۵۹-۴. هزار جریب.....
۲۳۲.....	۶۰-۴. همدان.....
۲۳۲.....	۶۱-۴. یزد.....

فصل ۵. جریانهای فکری، سیاسی و اجتماعی متأثر از تصوف

۲۳۵.....	۱-۵. نعمت‌اللهیان.....
۲۴۱.....	۱-۱-۵. اعتقاد به وحدت وجود.....
۲۴۵.....	۲-۱-۵. اعتقاد به خلیفه‌اللهی انسان.....
۲۴۷.....	۳-۱-۵. مدعی مقام ولایت بودن.....
۲۴۸.....	۴-۱-۵. توجه همزمان به مباحث عقلی در کنار روشهای ذوقی و عملی.....
۲۴۹.....	۵-۱-۵. بهره‌گیری از تعالیم یهود و نصاری.....
۲۴۹.....	۶-۱-۵. تقید به احکام ظاهری شرعی.....
۲۵۰.....	۷-۱-۵. همگانی دانستن تصوف و همگانی کردن آن.....
۲۵۱.....	۸-۱-۵. اهتمام ویژه به مردم.....
۲۵۱.....	۹-۱-۵. پرهیز از پوشیدن لباس خاص.....
۲۵۲.....	۱۰-۱-۵. پرهیز از گوشه‌نشینی و کسب و کار برای تأمین زندگی.....
۲۵۲.....	۱۱-۱-۵. داشتن انبساط خاطر.....
۲۵۳.....	۲-۵. حروفیان.....
۲۵۶.....	۱-۲-۵. اعتقاد به تقدس حروف و اسرار آن.....

۲۵۸.....	۲-۲-۵. اعتقاد به شایستگی انسان برای رسیدن به مقام خدایی.....
۲۶۰.....	۳-۲-۵. استناد به آیات تورات، انجیل و زبور و توجه خاص به پیامبران پیشین.....
۲۶۰.....	۴-۲-۵. اعتقاد به ولایت امیرالمؤمنین علی(ع) و ادعای مهدویت.....
۲۶۱.....	۵-۲-۵. تأثیرپذیری از اسماعیلیه.....
۲۶۲.....	۶-۲-۵. روش سیر و سلوک ویژه خود.....
۲۶۲.....	۷-۲-۵. ظلم ستیزی.....
۲۶۳.....	۳-۵. نوریخشیان.....
۲۶۶.....	۱-۳-۵. اعتقاد به وحدت وجود.....
۲۶۶.....	۲-۳-۵. مقام ولایت انسان.....
۲۶۷.....	۳-۳-۵. آداب سلوک نفسانی و وظایف تربیت یافتگان.....
۲۶۸.....	۴-۳-۵. جامع تشیع و تصوف.....
۲۶۹.....	۵-۳-۵. ادعای مهدویت.....
۲۶۹.....	۶-۳-۵. استفاده از شعار سیاه.....
۲۷۱.....	۴-۵. صفویان.....
۲۷۳.....	۱-۴-۵. توجه به علوم ظاهری در کنار سیر و سلوک نفسانی.....
۲۷۴.....	۲-۴-۵. ارتباط با دستگاه حکومت.....
۲۷۷.....	۳-۴-۵. مردم‌دوستی و حمایت از آنها در برابر حاکمان وقت و تلاش برای مشکلات آنها.....
۲۷۸.....	۴-۴-۵. موروثی بودن ریاست طریقت در خانواده شیخ صفی‌الدین.....
۲۸۱.....	فصل ۶. روابط متقابل شیعیان و سنیان.....
۲۸۲.....	۱-۶. نیمه اول قرن هفتم هجری.....
۲۹۰.....	۲-۶. گرایش ایلخانان به تشیع.....
۳۰۲.....	۳-۶. گرایشهای شیعی دیگر حکومتها.....
۳۰۵.....	۵-۶. گرایشهای شیعی علما و ادبا.....
۳۱۰.....	۵-۶. مجالادت، برخوردهای تند و تقیه.....
۳۱۷.....	فصل ۷. اندیشه سیاسی.....
۳۲۱.....	۱-۷. اندیشه سیاسی در متون کلامی.....
۳۲۲.....	۲-۷. اندیشه سیاسی در متون فقهی.....
۳۲۳.....	۱-۲-۷. اقامه نماز جمعه.....

- ۳۲۵..... ۲-۲-۷. زکات
- ۳۲۵..... ۳-۲-۷. خمس
- ۳۲۷..... ۴-۲-۷. جهاد
- ۳۳۰..... ۵-۲-۷. امر به معروف و نهی از منکر
- ۳۳۱..... ۶-۲-۷. قضا
- ۳۳۲..... ۷-۲-۷. افتا
- ۳۳۳..... ۸-۲-۷. پذیرش ولایت از سوی حاکم جائز
- ۳۳۴..... ۹-۲-۷. اقامه حد
- ۳۳۶..... ۱۰-۲-۷. وصیت
- ۳۳۶..... ۱۱-۲-۷. تقیه
- ۳۳۸..... ۱۲-۲-۷. حکمرانی بر مردم بدون رضایت آنها
- ۳۳۹..... ۳-۷. اندیشه سیاسی در متون حکمت عملی و اخلاقی و پاره‌ای رساله‌های مستقل
- ۳۴۸..... ۴-۷. مبانی رفتار سیاسی علمای شیعه در این دوره
- ۳۴۹..... ۱-۴-۷. لزوم تلاش برای تبدیل مدینه‌های غیرفاضله به مدینه فاضله
- ۳۴۹..... ۲-۴-۷. آمادگی ذهنی برای سقوط عباسیان و استیلای مغولان
- ۳۵۲..... ۳-۴-۷. اعتقاد به بهتر بودن سلطان عادل کافر از سلطان ظالم مسلمان
- ۳۵۲..... ۴-۴-۷. جایز بودن حضور در دربار پادشاهان برای اقامه حق

۳۵۵..... جمع‌بندی

- ۳۵۵..... ۱. فعالیت علمی گسترده برای شناساندن مذهب تشیع
- ۳۵۷..... ۲. ایجاد و حفظ روابطی دوستانه با حکومتها و بهره‌مندی از حمایت‌های آنها
- ۳۵۷..... ۳. حفظ رابطه‌ای صمیمانه و مسالمت‌آمیز با اهل سنت
- ۳۵۷..... ۴. تقویت ارتباط عاطفی و معنوی میان شیعیان

۳۶۹..... ضمیر: فرست و چکیده زندگینامه دانشمندان شیعه

۴۳۱..... نقش

۴۳۹..... کتابنامه

۵۰۷..... نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين. سپاس خدای را که امکان چاپ این اثر ناچیز را فراهم ساخت. این کتاب که اساس آن به عنوان رساله دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ ش. تدوین یافت، پس از شش سال و اندی با تغییراتی اندک، به دست نشر سپرده شده است. راز این تأخیر امید به یافتن فرصتی برای ویرایش دوباره کتاب و سودای بازسازی مطالب آن بر مدار یک چارچوب نظری در حوزه فرهنگ و سپس اندیشه سیاسی بود. کاستی اصلی این اثر که در حین نگارش نیز حقیر را به خود مشغول می داشت، همانا بهره نبردن آن از مطالعات نوین فرهنگ شناسی بود. روش سنتی تاریخ پژوهی در کشور ما، مبتنی بر نوعی مطلق نگری است. مراد از مطلق نگری، جزمیت در بررسیها و اظهار نظرهای تاریخی نیست، مطلق در اینجا در برابر مضاف به کار برده شده است. پژوهشگران تاریخ آن گاه که به وجوه غیرتاریخی تاریخ (مانند فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ...) می پردازند، غالباً تنها از همان روشهای تاریخ پژوهی بهره می برند و خود را از مفاهیم و روشهای تحقیق در این وجوه که هر یک موضوع علمی مستقل است، محروم می دارند. وقتی از حیات فرهنگی شیعیان سخن به میان می آید، پژوهشگر تاریخ در کنار شناخت و پابندی به بایستگیهای پژوهش در تاریخ، باید مفهوم فرهنگ و نظریه های فرهنگ و تحول فرهنگی را نیز بشناسد و درک و فهمی مشخص از آن را مبنای پژوهش خود قرار دهد و تمامی مراحل پژوهش خود را از گردآوری داده ها تا نگارش اثر در پرتو آن سامان دهد. این

شیوه مطالعه و تحقیق که در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی رواج دارد، صرف‌نظر از تأملات نظری قابل قبولی که در باره کارآمدی جوهره اثبات‌گرایانه رویکرد حاکم بر آن وجود دارد، مرزها و راههایی روشن برای پژوهشگر پدید می‌آورد که افزون بر آسان کردن گذر در مسیر پر پیچ و خم پژوهشی استوار، مخاطبان را برای شناخت پرسش اصلی پژوهش و روش دست یافتن به پاسخ آن مدد می‌رساند. اگر دانش پژوهان و دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی به مطالعات تاریخی روی آورند، ناگزیر از چنین روشهایی بهره می‌جویند؛ ولی دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های تاریخ، به دلیل فاصله آموخته‌های خود از چنین مطالعاتی، نگاه تاریخی محض را پایه کار خود قرار می‌دهند و در مقوله‌هایی مانند جامعه و فرهنگ و اقتصاد به همان مفاهیم ارتکازی متعارف بسنده می‌کنند. تاکنون چند اثر محدود به زبان فارسی از چنین نگاه دوگانه و پژوهشهای ترکیبی بهره‌مند بوده است؛ ولی این گونه مطالعات هنوز عمومیت نیافته است. این اثر نیز در چنین فضایی تدوین یافته است و شش سالی که از نگارش کتاب می‌گذرد، گرچه برای حقیر با مطالعاتی بیشتر در حوزه فرهنگ و مبانی و ابعاد و روشهای پژوهش در آن همراه بوده است، اما هیچ گاه فرصت کافی برای بازنگری در این کتاب را با روشی که شرح مختصر آن گذشت، در اختیار قرار نداده است.

نکته دیگر که قرار بود در بازبینی اثر، بدان توجه شود، پیرایش ارجاعات و بسنده کردن به برگزیده و یا گزیده منابع بود. حقیر بدین امر واقفم که پاره‌ای از منابع مورد استناد در این کتاب هم‌تراز منابع دست اول و متبعضانه و محققانه نیست و هر چند مؤلف در حین نگارش آنها را از نظر گذرانده است، ولی لازم نبود گزارش کامل تتبع خود را به خواننده منتقل کند، اما با این امید که ارجاع به این منابع سرنخی برای پژوهشگران در مطالعات تکمیلی باشد، از پیرایش آنها صرف‌نظر شد و ارجاعات به همان صورت که در حین نگارش اثر فراهم آمده بود، باقی ماند.

متن اولیه این اثر دارای دو ضمیمه نیز است که امیدوارم در فرصت و به بهانه‌ای دیگر در اختیار جامعه علمی کشور قرار گیرد: نخست فرهنگ عالمان شیعه در مقطع سالهای ۶۵۰ - ۹۰۰ ق. همراه با توضیحی فشرده در چند سطر در باره هر یک و معرفی چند منبع اصلی در شرح احوال و آثار آنها (شامل ۴۶۳ مدخل) و دیگر، فهرست نسبتاً کامل از تألیفات شیعی در این مقطع به تفکیک شاخه‌های مختلف علوم (شامل ۱۷۹۸ عنوان کتاب در ۲۶ شاخه). حجم زیاد این دو ضمیمه و امید به یافتن راهی برای ارائه آنها به صورتی که سودمندتر افتد، سبب شد که در مرحله کنونی از چاپ آنها صرف‌نظر شود.

آنچه انگیزه چاپ و نشر این اثر ناچیز را بیشتر کرد، تشکیل گروه تاریخ و فرهنگ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) و آغاز مراحل اجرایی راه‌اندازی رشته مستقل تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد و ضرورت تقویت منابع مورد نیاز این رشته بود. شرح این داستان و درستی راه او را باید به مجال مقالاتی دیگر وانهاد، اما سزاوار است همین جا، از مساعدت ویژه بنیانگذار و رئیس دانشگاه حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی، دامت برکاته، به طور ویژه تشکر کنم که بی‌عنایت ایشان آرزوی دیرینه راه‌اندازی این رشته میسر نبود و از خداوند متعال طول عمر با عزت و برکت این پیر فرزانه و مربی اخلاق و تحقق منویات معظم له را پیرامون این معهد و معبد که به دانشگاه امام صادق(ع) نامبردار است، از درگاه علیم قدیر مسئلت کنم. همچنین سزاست یاد اساتیدی را که حین نوشتن پایان‌نامه از محضرشان بهره‌مند بوده‌ام، گرامی بدارم و زحمات آنان را ارج نهم: آقایان دکتر هادی عالم‌زاده؛ دکتر حسین قره‌چانلو؛ دکتر یدالله نصیریان و مرحوم زنده‌یاد دکتر سید نورالله کسایی، تغمده الله برحمته. گرچه مراحل چاپ و نشر این چند صفحه ناباورانه بیش از دو سال در دفتر نشر دانشگاه امام صادق(ع) به درازا انجامید، پیگیریهای دست‌اندرکاران این دفتر و نیز آقای مهرداد کریمپور که زحمت حروفچینی و آقایان احمد خادم و داوود حسن‌زاده که زحمت نمونه‌خوانی را عهده‌دار بودند، شایسته قدردانی است. عزت و سربلندی همه آنها و دیگرانی را که هر یک به گونه‌ای در فراهم آوردن این اثر نقش داشتند و امکان ذکر نام همه آنها نبود، به ویژه خانواده محترم، از خداوند کریم خواهانم.

گسترده‌گی محدوده زمانی مورد بررسی در این اثر، شاید توجیه و بهانه‌ای برای کل‌نگریها و در عین حال کاستیهای آن باشد، اما این نکته سبب نمی‌شود که به دیده خطاپوش خوانندگان عزیز دل‌خوش دارم و خود را سزاوار محرومیت از رهنمودها و انتقادهای سازنده اصحاب فکر و اندیشه بدانم.

بی‌شک تحقیق در تاریخ تشیع یکی از بایسته‌های پژوهشی حوزه تاریخ در کشور ماست. از خداوند می‌خواهم این گونه تلاشها را اگر از جوهره اخلاص برخوردار است، در مسیر شناساندن و اعتلای مکتب اهل بیت(ع) سودمند قرار دهد و در روز جزا ما را به پاداشی نیکو متنعم سازد.

محسن الویری

۲۰ بهمن ۸۲ / برابر با عید سعید غدیر

کلیات

۱-۱. نگاهی کوتاه به تاریخ شیعه

شاید کمتر فرقه‌ای در میان فرقه‌های اسلامی به اندازه شیعه دارای نکته‌های مبهم و نیازمند بررسی و تبیین باشد. چگونگی شکل‌گیری و مراحل تطور شیعه به ویژه در قرون نخستین عمر خود، ابهامهایی فراروی پژوهشگران نهاده که سایه آن بر تمامی مراحل مختلف تاریخ شیعه تا عصر حاضر گسترده شده است.

اساس تشیع در زمان حیات رسول اکرم (ص) پایه‌گذاری شد؛^۱ پس از رحلت آن بزرگوار، بر سر اصلی‌ترین شالوده اعتقادی خود، یعنی امامت که شاید پر ماجراترین اصل اعتقادی در جهان اسلام به شمار می‌رود،^۲ خط فکری خود را از کسانی که این باور را در مرحله نظر یا عمل نداشتند، جدا ساختند^۳ و به تدریج به شکل دادن و تبیین مرزهای اصلی تفکر خود پرداخت. ماجرای کربلا در نخستین روزهای سال ۶۱ق. به این جریان فکری قوام، اعتبار و دیرپایی بخشید تا آنجا که برخی از نویسندگان، اساساً پیدایش شیعه را به این حادثه پیوند زده‌اند.^۴ ماجرای کربلا در کوتاه‌مدت، به ظاهر

۱. برای بررسیها و تحلیلهایی در این زمینه رک. طباطبایی (شیعه در اسلام)، صص ۲۳-۲۶؛ آل کاشف الغطاء، صص ۴۲-۴۴؛ وائلی، صص ۲۹-۳۲؛ الغریفی، صص ۲۶-۳۸.

۲. شهیدی، ص ۹۳.

۳. به عنوان نمونه رک. جعفری، به ویژه فصل دوم (سقیفه: آغاز دسیسه‌ها)؛ وائلی، صص ۳۶-۳۹.

۴. الیثی، ص ۲۹. برای گزارشی در باره دیدگاههای مربوط به تاریخ پیدایش تشیع رک. وائلی، صص ۲۳-۲۸؛ الیثی،

صص ۲۷-۳۰؛ الغریفی، صص ۱۹-۲۴؛ الفیاض، صص ۳۱-۷۱؛ الشهابی الخراسانی، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۴۸.

شکست شیعه در صحنه اجتماع و سیاست و گویی پایان همه چیز به شمار می‌رفت.^۱ بررسی و تحلیل محتوای سخنان (دعاهای) باقی‌مانده از امام چهارم شیعه امام زین‌العابدین(ع) نشان می‌دهد که این امام همام بسان پیامبری تازه مبعوث شده اصلاح بنیادی‌ترین ساختار فکری مردم، یعنی اندیشه توحید و نبوت را در اولویت فعالیت تبلیغی خود قرار داده است.^۲

پس از ماجرای کربلا، پیدایش فرقه‌های مختلف شیعی آغاز شد و در مدتی حدود دو قرن تا سال ۲۶۰ق. دهها فرقه شیعی اعلام موجودیت کرد.^۳ یکی از عاملهای بسیار مهم و تعیین‌کننده پیدایش این فرقه‌ها، شرایط تقیه و عدم آزادی عمل ائمه اطهار(ع) برای تبلیغ و تبیین دیدگاهها، حتی برای یاران خاص خود بود^۴ تا آنجا که حتی در باره علم امام در زمان حیات ائمه(ع) دیدگاههای متفاوت و یا متعارض پدید آمد.^۵ در دهه‌های آخر حکومت امویان که با سستی و کاهش اقتدار سیاسی آنان همراه بود، امام باقر و صادق(ع) توانستند با تکیه بر پایه‌های استواری که امام سجاد(ع) بنیان نهاده بود، در سطحی گسترده دیدگاههای شیعه اثناعشری را در زمینه‌های مختلف به

۱. در باره نقش حادثه کربلا در آغاز مرحله‌ای نو در حیات تشیع به عنوان نمونه رک. جعفری، فصل ۷ (شهادت امام حسین(ع))، فصل ۸ (بازتاب واقعه کربلا)، و نیز ص ۲۷۵؛ و برای بررسی به نسبت جامع و فشرده در باره این نهضت رک. آیتی، محمد ابراهیم.

۲. برای اطلاع از مضامین سخنان (دعاهای) باقی‌مانده از امام چهارم شیعیان(ع) رک. «صحیفه کامله سجاده» و برای اطلاع از یک گردآوری نو، گسترده و بدیع از سخنان (دعاهای) امام رک. «الصحیفه السجادية الجامعة» و برای تحلیلی دیگر از فعالیتهای امام سجاد(ع) که البته در برخی جنبه‌ها مورد تأمل است رک. جعفری، فصل ۹ (تلاشی در راه حقانیت)، صص ۲۷۵-۲۸۸.

۳. رک. طباطبایی (شیعه در اسلام)، ص ۶۰؛ جعفری، ص ۲۷۵؛ ابن‌خلدون (مقدمه)، صص ۱۹۶-۲۰۲؛ ابن‌حزم، ج ۴، صص ۱۷۹-۱۸۸؛ الشهرستانی، صص ۱۴۶-۱۹۸؛ و به ویژه الأشعری قمی در کتاب المقالات و الفرق؛ و نوبختی در فرق الشیعه؛ البغدادی، صص ۲۱-۲۴.

۴. در باره تقیه و نقش آن به عنوان یکی از مبانی تحلیل تاریخ شیعه در قرون نخستین، در حد اطلاع نگارنده تاکنون اثری علمی و متقن نوشته نشده است، برای اطلاع از مباحث و کلیاتی در این زمینه، به عنوان نمونه رک. خمینی، در رساله «التقیة»؛ علوی در کتاب «التقیة بین الاعلام»؛ صالحی‌زاده، تقیه در اسلام (پایان‌نامه تحصیلی)؛ و الویری (خندان)، صص ۶۵-۶۷.

۵. رک. مدرسی طباطبایی (مقدمه‌ای بر فقه شیعه)، صص ۳۱-۳۳ و منابع معرفی شده در آن؛ و نیز نوبختی در بحث مربوط به دیدگاه شیعیان در باره علم امام جواد(ع)، صص ۱۲۸-۳۳ و در باره علم امام و گزارشی موجز از دیدگاه دانشمندان شیعی در باره آن رک. مظفر (علم امام) (مقدمه مترجم) به ویژه صص ۱۱-۱۸.

ویژه فقه و کلام منتشر سازند.^۱ امروزه این دیدگاهها که به شکل حدیث در جامعه‌های روایی شیعی در دسترس است، پس از قرآن بزرگ‌ترین متن دینی شیعی و منبع استخراج افکار و رفتارهای دینی این فرقه به شمار می‌رود. روی کار آمدن حکومت عباسیان، دوران سخت و همراه با قتل و انواع شکنجه، تبعید و فشار را برای فرقه اثناعشری رقم زد. در اوایل قرن سوم، با توجه به رویکرد جامعه و به ویژه دستگاه خلافت به مسائل فکری و پرداختن به اندیشه‌های ترجمه‌شده از زبان تمدنهای یونانی، سریانی، ایرانی، هندی و نیز با توجه به ولایتعهدی امام رضا(ع)، شیعه مدتی کوتاه را در آسایش نسبی گذراند.^۲

با شروع غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ق.) آن چنان سردرگمی و پریشانی، شیعیان را فرا گرفت که آن دهه‌ها را در همان عصر، عصر حیرت نامیدند.^۳ با پایان یافتن غیبت صغری و قطع شدن ارتباط امام معصوم با شیعیانش که در دوره غیبت صغری از طریق نایبان چهارگانه برقرار بود،^۴ شیعه دوره‌ای جدید را آغاز کرد، ولی پریشانی عصر حیرت سایه خود را از تحلیل و تصویر دوره‌های مختلف تاریخ این فرقه برنچید. شیعه اثناعشری در عصر آل بویه توانست با بهره‌گیری از شرایط مناسبی که قدرت سیاسی حکمرانان شیعی مذهب بویهی فراهم آورده بودند،^۵ در تلاشی گسترده حدود و ثغور مشرب کلامی و مذهب فقهی خود را ترسیم کند. به رغم اختلاف میان مشربهای

۱. به عنوان نمونه رک. تراپی، صص ۵۱-۱۱۰؛ فضل‌الله، صص ۲۷۱-۴۰۲؛ ابوزهره، صص ۹۶-۱۰۶؛ واعظزاده خراسانی؛ العسکری در «الامام الصادق محیی السنة النبویة»؛ حیدر، ج ۲، صص ۱۷-۲۵۴.

۲. رک. طباطبایی (شیعه در اسلام)، صص ۵۳-۵۴؛ حتّی، صص ۳۸۸-۴۰۱؛ حسن (تاریخ الاسلام)، ج ۲، صص ۳۲۳-۳۵۵.

۳. رک. ابن‌بابویه قمی در کتاب «الامامة و التبصرة من الحيرة» و نیز مقدمه مصحح همان کتاب، ص ۱۰۴، در عنوان پاره‌ای کتابها و رساله‌های مربوط به غیبت واژه «حیرت» هم به کار رفته است رک. همان جا. شیخ طوسی نیز در مقدمه کتاب مهم و معروف خود «الغیبة» در این باره چنین می‌گوید:

«اما بعد فانی مجیب الی ما رسمه الشیخ الجلیل اطال الله بقاءه من املاء کلام فی غیبة صاحب الزمان و سبب غیبتہ و العلة التي لأجلها طالت غیبتہ و امتد استتاره مع شدة الحاجة اليه و انتشار الحیل و وقوع الهرج و المرج و كثرة الفساد فی الارض...» ص ۱؛ و برای اطلاع دقیق‌تر از اوضاع زمان مورد بحث رک. صدر، در «تاریخ الغیبة الصغری».

۴. به عنوان نمونه رک. طوسی (الغیبة)، صص ۳۴۵-۴۱۷.

۵. به عنوان نمونه رک. طباطبایی (شیعه در اسلام)، صص ۵۴-۵۵؛ فقیهی (آل بویه و اوضاع...)، صص ۳۷۶-۳۷۹ و صص ۴۵۰-۴۷۲؛ کرمر، صص ۱۰۹-۱۱۷ با نکاتی قابل تأمل و خدشه.

حدیث گرا و عقل گرا، مبانی تفکر کلامی شیعه همان است که نخستین بار شخصیت‌هایی مانند شیخ طوسی، شیخ مفید و شیخ صدوق در نیمه قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم هجری در آثار خود مطرح ساخته‌اند.^۱ این سخن در باره فقه و مبانی آن نیز تا حد زیادی درست می‌باشد.^۲

با قدرت یافتن ترکان در بخش‌های مختلف سرزمین اسلامی و نفوذ آنها در دستگاه خلافت، شیعه اثناعشری که با جهت‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت در جاهای مختلف^۳ و حتی در بغداد مرکز خلافت عباسی جایگاهی یافته بود،^۴ با مشکلاتی مواجه شد و تشکیل حوزه علمی نجف در سال ۴۴۸ق. در پاسخ به فشارهایی که شیعه اثناعشری را می‌آزرد،^۵ مرکزیتی نو و دیرپا برای این فرقه پدید آورد.^۶ در سالها و دهه‌های قبل از این حادثه، گرایش‌هایی از شیعه مانند زیدیه، علویان و اسماعیلیان توانسته بودند در منطقه‌هایی مانند یمن، طبرستان و مصر حکومت‌هایی برپا کنند و فرقه‌های دیگر نیز یا به تدریج از میان رفتند و یا در صورت ادامه حیات منشأ اثری چشمگیر نبودند.^۷

پس از آل بویه، شیعه اثناعشری به رغم حفظ غیرتمندانه و مقتدرانه نفوذ

۱. برای تحلیلی ژرف و فشرده در این زمینه رک. خامنه‌ای (پیام به کنگره شیخ مفید).

۲. همان جا و نیز مدرسی طباطبایی (مقدمه‌ای بر فقه شیعه)، صص ۳۹ و ۴۹.

۳. در نگاهی کلی به سخنان و رهنمودهای ائمه اطهار(ع) و سیره علمای بزرگ نزدیک به عهد حضور امامان چنین برداشت می‌شود که آنان می‌کوشیدند ضمن حفظ هویت مستقل فکری و سیاسی شیعیان، شرایطی فراهم آورند تا تشیع و پیروان آن مطرود و میغوض عامه اهل سنت قرار نگیرند، بلکه بتواند به عنوان جزئی از پیکره جامعه اسلامی به حیات خود ادامه دهند. این نکته که نخستین بار، سالها پیش، حضرت آیت‌الله محمدباقر باقری کنی حقیر را بدان متفطن ساختند، نیازمند بحثی مستوفی و مستقل می‌باشد.

۴. برای نمونه رک. یاقوت حموی، ج ۱، مدخل پراشا، صص ۳۶۲-۳۶۴ و ج ۴، مدخل کرخ، ص ۴۴۸؛ حسینی جلالی، ص ۲۱.

۵. برای نمونه رک. الویری (رویدادنگاری تاریخ و فرهنگ شیعه)، حوادث سالهای ۳۲۹ق. به بعد.

۶. رک. موحد ابطی (آشنایی با تاریخ حوزه‌های علمیه) صص ۲۶۵-۲۸۹؛ و الغروی در «الحوزة العلمية فی النجف الاشرف».

۷. و در باره علویان طبرستان (زیدیه ایران) حکیمیان در کتاب «علویان طبرستان»، حقیقت (رفیع) در کتاب جنبش زیدیه در ایران، گیلانی، صص ۶۷-۷۸؛ مشکور (مازندران و...)، صص سی و چهار به بعد؛ روحانی، صص ۳-۲۰؛ الصابی در «التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیه».

دینی و علمی خود در منطقه‌های شیعه‌نشین مانند نجف،^۱ قم،^۲ کاشان،^۳ سبزوار،^۴ آشتیان و مضافات،^۵ بخشهایی از ری^۶ و جنوب لبنان^۷ در نگاهی کلی همواره از مرکز خلافت به دور بود، اگر چه گاه نام وزیر یا کاتبی شیعی در شمار درباریان عباسی دیده می‌شود. با حمله مغولان که به تسامح دینی شناخته می‌شوند،^۸ شیعه فرصتی مجدد یافت تا با نزدیک شدن به مرکز قدرت سیاسی و بهره جستن از آن به صورتی چشمگیر اندیشه‌های کلامی و فقهی خود را بپراکند و زمینه را برای تفوق علمی و سیاسی بر

-
۱. به عنوان نمونه رک. آل محبوبه، ج ۱، صص ۴۰۶-۴۰۹.
 ۲. به عنوان نمونه رک. مستوفی (نزهة القلوب)، ص ۵۴؛ فقهی (تاریخ مذهبی قم)، به ویژه صص ۲۲۶-۲۳۵؛ کرمانی، صص ۸۳-۸۴؛ ناصر الشریعة قمی، صص ۶-۱۱.
 ۳. به عنوان نمونه رک. مستوفی (نزهة القلوب)، ص ۶۸؛ نراقی، صص ۴۳-۴۸؛ یاقوت حموی، ج ۴، صص ۲۹۶-۲۹۷؛ قزوینی (آثارالبلاد)، ص ۲۸۹؛ قزوینی رازی (کتاب النقص)، ص ۱۶۸؛ شوستری (مجالس المؤمنین)، ج ۱، صص ۸۶-۸۸؛ مولوی در بیان شدت شیعیگری مردم کاشان و بغض آنها نسبت به خلیفه دوم چنین سروده است (صص ۴۵۷-۴۵۷):

گر عمر نامی تو اندر شهر کاش	کس بنفروشد بصد رنگت لواش
چون به یک دکان بگفتی عمرم	این عمر را نان فروشید از کرم
او بگوید رو بدان دیگر دکان	زان یکی نان به کزین پنجاه نان
چون به یک دکان عمر بودی برو	در همه کاشان ز نان محروم شو
ور به یکدیگر علی گفتی بگير	نان از آن جا بی حواله بی زهير

۴. به عنوان نمونه رک. مستوفی (نزهة القلوب)، ص ۱۰۱، حقیقت در مقاله «بیهق (سبزوار) یکی از کانونهای مهم تشیع».
۵. به عنوان نمونه رک. سیفی فمی تفرشی، ص ۱۱۸؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، مدخل «آشتیان»، صص ۴۰۲-۴۰۳.
۶. به عنوان نمونه رک. مستوفی (نزهة القلوب)، ص ۶۷؛ کریمان، ج ۲، صص ۸۱-۸۴.
۷. به عنوان نمونه رک. الفقیه، به ویژه صص ۳۳-۵۰؛ نصرالله، صص ۸۳-۸۵.
۸. در این زمینه در فصلهای آینده بیشتر سخن خواهیم گفت.

رقیب دیرینه خود، یعنی مذاهب چهارگانه اهل سنت فراهم سازد. بدون تردید سیطره بلامنازع صفویه و گسترش دیرپا و عمیق اندیشه تشیع در سراسر ایران از سر اتفاق چهره نیست و تلاش علمای شیعی در عصر سیطره مغولان و پس از آن عملاً زمینه‌ای بسیار مناسب برای این نفوذ تام فراهم ساخته بود.

پس از صفویه نیز جز در فتراتی کوتاه و قابل چشم‌پوشی،^۱ هیچ‌گاه شعار دفاع از مکتب اهل بیت (ع) از سخنان و برنامه‌های حاکمان وقت حذف نشد^۲ و انقلاب اسلامی هم به طور آشکار و روشن برای بازآفرینی شوکت تشیع به عنوان نماد حقیقی اسلام ناب محمدی پدید آمد.

۱-۲. این کتاب و جایگاه آن در مطالعات تاریخ شیعه

به رغم جایگاه ویژه شیعه در بسیاری از تحولات مهم تاریخ اسلام، حجم مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در باره مبانی، ابعاد و به ویژه تطور تاریخی شیعه اثناعشری بسیار اندک است و با وجود توجه بیشتر و جدی‌تر مستشرقان به تشیع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با قاطعیت می‌توان گفت که هنوز مطالعه مربوط به شیعه اثناعشری، در مقایسه با بسیاری از فرقه‌ها و دینهای مشرق زمین، مورد اهمال و غفلت جدی قرار دارد.^۳ با این همه، آثار پدیدآمده در باره تاریخ شیعه به طور نسبی دوره‌های نخستین

۱. به عنوان نمونه رک. دانش‌پژوه در مقاله «تسامح و گذشت دینی نادرشاه».

۲. به عنوان نمونه، حائری، نخستین رویاروییها، صص ۳۲۳-۳۷۳.

۳. مرحوم عبدالجواد فلاطوری در سال ۱۳۵۲ ش. در مقاله‌ای با عنوان «تحقیق عقاید و علوم شیعی» چنین نوشته است: «اگر محض امتحان، تمام کتب و مقالاتی را که در ۲۵ ساله اخیر» به زبانهای مختلف غربی در باره اسلام و ممالک اسلامی منتشر شده از نظر بگذرانیم و شماره کنیم (اینجانب این کار را بر اساس مجله معروف Absrtacta Islamica از سال ۱۹۴۳ م. به بعد انجام داده‌ام) به سادگی به این نکته برمی‌خوریم که از بین هر صد نوشته‌ای که در باره اسلام دیده می‌شود، فقط دو عدد به غیر اهل سنت و جماعت مربوط است و از این مقدار اندک نیز تازه از بین هر هفت نوشته، یک کتاب یا یک مقاله به شیعه اثناعشری اختصاص یافته، یعنی تقریباً از هر ۳۵۰ کتاب و مقاله، یک عدد به شیعه دوازده امامی ارتباط دارد که بسیار کمتر از نوشته‌هایی است که در باره شیعیان زیدی و اسماعیلی مشاهده می‌شود» (صص ۴۳۶-۴۳۷).

و در مقدمه گزارشی که در اکتبر ۱۹۹۶ م. توسط مرکز اسلامی انگلیس منتشر شده، در همین زمینه چنین آمده است: «در مقایسه کمی مطالب مربوط به شیعه با موضوع اسلام، به دست می‌آید که موضوع شیعه و تشیع در محافل علمی غرب کمتر مورد بحث، مطالعه و تحقیق بوده است. با نگاهی به پایان‌نامه‌های مربوط به اسلام ملاحظه می‌کنید که در مقطع زمانی مشابه (۱۸۶۰-۱۹۹۶ م.)، ۱۱۴۳ پایان‌نامه دکتری در مورد اسلام نوشته شده است، در ادامه در صفحه بعد

شیعه تا قرن هفتم و سپس از عصر صفویه (قرن دهم) بدین سو را پوشش می‌دهد و حجم پژوهش در باره شیعه در عصر نفوذ و سیطره مغولان و دوره ملوک الطوائفی پس از آنها بسیار کمتر است.

بر اساس آنچه گفته شد، ضرورت و هدف تدوین این کتاب را می‌توان چنین برشمرد:

۱. به دست دادن گزارشی در باره بخشی از پیامدهای هجوم گسترده مغولان که در آغاز با قتل و غارت، ویرانی، بی‌رحمی و خانمانسوزی همراه بود، ولی مغولان بسان قطره‌ای سیاه‌رنگ که در برکه‌ای فرو چکد، سیاهی زودگذری پدید آوردند، ولی به سرعت محو و جذب فرهنگ و تمدن ملت مغلوب خود شدند؛ گرچه سایه‌ای از تباہیها تا مدت‌ها در برکه باقی بود.

۲. به دست دادن نمایی کلی از یکی از مقاطع مهم تاریخ شیعه که به طور نسبی مورد غفلت قرار گرفته است؛ با تکیه بر حیات فرهنگی و اندیشه‌های سیاسی شیعه در این دوره.

۳. به دست دادن تصویری به نسبت روشن از تلاش علمای شیعه برای بهره‌برداری از یک فرصت استثنایی برای پژوهش بیشتر پیرامون اندیشه‌های شیعی و پراکندن آن.

۴. به دست دادن گزارشی در باره نمونه‌ای از سازگار شدن اندیشه سیاسی شیعه با شرایط متحول و دگرگون شونده زمان و مکان چگونگی آن.

۵. نشان دادن بخشی از ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی در ایران و پاسخ به بخشی کوچک از انبوه پرسشها و ابهامها در باره جنبه‌های مختلف تشیع که پدید آورنده بزرگ‌ترین حادثه سیاسی - فرهنگی دهه‌های پایانی قرن بیستم به شمار می‌آید. در این طرح پژوهشی، مراد از شیعیان، شیعیان اثناعشری است و به قرینه آغاز و پایان زمانی دوره تاریخی مورد بررسی، یعنی «سقوط بغداد تا ظهور صفویه»، محدوده جغرافیایی موضوع نیز ایران و عراق است.

بدیهی است این کتاب نمی‌تواند تحلیلی عمیق و همه‌جانبه را در باره جنبه‌های مختلف تشیع در دوره زمانی مورد بررسی عرضه کند، بلکه متناسب با امکانات و منابع

حالی که فقط ۱۱ رساله در این دوره در خصوص موضوع شیعه نوشته شده است و یا به عنوان نمونه مقالات چاپ شده در مجلات مربوط به موضوع تاریخ (۱۹۸۲-۱۹۹۶م)، ۱۲۴۷ مقاله در مورد اسلام نوشته شده، در صورتی که در همین مقطع زمانی فقط ۱۱ مقاله در خصوص عنوان شیعه به نگارش در آمده است.» (ص ۲).

قابل دسترسی،^۱ ارائه چارچوبی کلی و حتی المقدور محکم و متین را در باره حیات فرهنگی و اندیشه‌های سیاسی شیعه در این عصر تعقیب می‌کند.

طبیعی است برای تحلیل همه‌جانبه حیات شیعه در این دوره به مسائلی فراوان باید توجه و ژرفکاوی شود. از میان این مسائل چند مسئله اصلی آن هم در حیطه حیات علمی، فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان توسط نگارنده گزینش شده و یافتن پاسخ آنها را در این کتاب وجهه همت خویش قرار داده است. این پرسشها چنین است:

آیا از نیمه قرن هفتم تا آغاز قرن دهم هجری، تلاشی وسیع توسط بزرگان شیعه برای گستراندن تشیع وجود داشته است؟

اگر چنین تلاشی وجود داشته است، بزرگان شیعه از چه راههایی این وظیفه را انجام داده‌اند؟

آثار علمی شیعه در این دوره در چه شاخه‌هایی از علوم بوده، برجسته‌ترین آثار در هر یک از این شاخه‌ها چه بوده و تلاش برای شناساندن تفکر شیعی بیشتر در کدام شاخه از علوم تعقیب شده است؟

گستره فعالیت‌های آموزشی شیعیان تا کجا بوده، مهم‌ترین نهادهای آموزشی چه بوده و فعالیت‌های آموزشی در کدام شهرها رواج داشته است؟

اهتمام حکومتها، علما، عامه مردم به عمران و آبادانی آرامگاه امامان(ع) و امامزادگان تا چه اندازه بوده است؟ و آیا این اهتمام از نشانه‌ها و پیامدهای تلاش برای گسترش تشیع به شمار می‌رود؟

نزدیکی تشیع و تصوف چه تأثیری بر شیعیان داشته و موجب پیدایش چه جریان‌هایی شده است؟

۱. کاستیها و نارساییهای مشهود در نظام اطلاع‌رسانی، به ویژه برای پژوهشهای تاریخی، در مؤسسات پژوهشی و آموزش عالی کشور، گاه پژوهشگران را وا می‌دارد تا ناباورانه از برخی خواسته‌های پژوهشی خود چشم‌پوشند. شرح مشکلات پژوهشگران در این زمینه، مثنوی هفتاد من خواهد شد. برای این حقیر به عنوان عضوی خرد و ناچیز از جامعه پژوهشگران و به عنوان یک دانشجو در بزرگ‌ترین، معتبرترین و با سابقه‌ترین دانشگاه کشور، یعنی دانشگاه تهران بسی تلخ و گزنده بود که با قبول همه مقررات بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی، که از جمله آن مجاز نبودن مطالعه بیش از سه نسخه در یک روز است، و به رغم مستظهر بودن به حمایت رئیس وقت ادب‌دوست آن و همکاری و حسن‌برخورد یکی از کارمندان آن و با وجود چندین نوبت مراجعه برای تهیه یک عکس یا رونوشت از صفحاتی محدود از یک میکروفیلم یا عکس نسخه خطی، سفارش خود را با بیش از دو ماه تأخیر دریافت کردم.

روابط شیعیان با اهل سنت از چه ویژگیهایی برخوردار بوده است؟ آیا تلاش برای گسترش تشیع نوعی واکنش منفی در میان اهل سنت در پی نداشته است؟ روی آوردن علمای شیعه به دستگاههای حکومتی و همکاری تقریباً گسترده آنها با حاکمان چه توجیهی داشته است؟ آیا علمای شیعه خود به این نکته توجه داشته‌اند و در آثار خود به آن پاسخ داده‌اند و اصولاً اندیشه‌های سیاسی شیعه را کجا و چگونه باید جستجو کرد؟

این پرسشها به این پرسش محوری برمی‌گردد که «زمینه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گسترش تشیع با آموزه‌هایی از تصوف در مقطع تاریخی پیش از قرن دهم چه بوده است؟» این پرسش مسئله اصلی این کتاب است.

روش تحقیق در این کتاب، روش تاریخی است که ترکیبی از روشهای تحلیلی (کشف روابط علی و معلولی پدیده‌ها) و وصفی را در دل خود نهفته دارد. برای گردآوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای و تنها برای وصف بعضی بناهای تاریخی از روش مشاهده استفاده شده است.

در این کتاب که با وجود تلاشی توان‌فرسا و شکننده برای تدوین آن، کاستیهایی فراوان بل بی‌شمار دارد، پس از طرح کلیاتی، از حیات علمی و فرهنگی شیعه در مقطع زمانی مورد نظر سخن به میان خواهد آمد و آنگاه اندیشه سیاسی شیعه در آن دوره بررسی خواهد شد.

پس از فصل کلیات، در فصل دوم ضمن تحلیلی از آثار علمی شیعیان در شاخه‌های مختلف علوم، مهم‌ترین آنها شناسانده خواهد شد و در فصل سوم، از فعالیتهای آموزشی شیعیان در این دوره به ترتیب الفبایی شهرهایی که شواهدی از فعالیت آموزشی شیعیان در آنها در دست است، سخن به میان خواهد آمد. فصل چهارم، ویژه گزارشی از ساختمانها به ویژه آرامگاههای امامان(ع) و امامزادگان است که در این دوره ساخته یا تعمیر شده است. در فصل پنجم، چهار فرقه مهم شیعی یا متمایل به تشیع یعنی نعمت‌اللهیان، حروفیان، نوربخشیان و صفویان از نظر فکری و تأثیرات اجتماعی تحلیل خواهد شد و در فصل ششم، جنبه‌هایی از روابط شیعیان و اهل سنت که از عوامل مؤثر گسترش تشیع در دوره‌های بعد است، همراه با ارزیابیهایی در این زمینه گزارش خواهد شد. در فصل هفتم، اندیشه سیاسی شیعه در این دوره در متون کلامی، فقهی، اخلاقی، اندرنامه‌ها و نیز رفتار سیاسی علمای شیعه و رویکرد آنها به

حکومت تحلیل می‌شود. پس از این فصلها، جمع‌بندی و چند نقشه، فهرست منابع و نمایه خواهد آمد.

۱-۳. بحثی در منابع

منابع مورد استفاده در این اثر مانند منابع هر موضوع تاریخی دیگر از تنوع برخوردار است که برای آشنایی بیشتر به معرفی گونه‌های آن همراه با ذکر مثال می‌پردازیم. هدف از این بحث، ارائه تحلیلی عمیق و دقیق در باره منابع و سنجش و ارزیابی آنها نیست. این کار بر حسب ضرورت در چندین جای کتاب صورت گرفته است. هدف از این بحث تنها ارائه یک دسته‌بندی کلی از منابع و مآخذ برای شناخت بهتر آنهاست. دسته اول منابع را فهرستها تشکیل می‌دهد که به وسیله آن به شناخت منابع بیشتر می‌توان نایل شد، فهرستهایی مانند «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی)»؛ «فهرست ریزفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران»؛ «فهرست کتابخانه اهدایی محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران»؛ «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران»؛ «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» اثر احمد منزوی؛ «فهرست و مشخصات کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی»؛ «فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشکده الهیات و معارف اسلامی» اثر عنایت‌الله مجیدی؛ «فهرست مقالات فارسی» اثر ایرج افشار و در ردیف همین منابع باید از «مدخل تاریخ شرق اسلامی» اثر ژان سواژه و «درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی» اثر کلود کاهن نام برد. در همین دسته از منابع باید از توضیح و تحلیل مؤلفان برخی کتابهای معاصر در باره منابع تألیف خود یاد کرد: مانند ساندرز در «تاریخ فتوحات مغول» (صص ۲۷۱-۲۸۵)؛ نبئی در «تاریخ آل چوپان» (صص ۲۱-۶۷)؛ حسینقلی ستوده در «تاریخ آل مظفر» (صص ۱-۵۷)؛ اشپولر در «تاریخ مغول در ایران» (صص ۴-۲۱)؛ مقدمه «تاریخ آل مظفر» محمود کتبی (صص VII)؛ VI و مرتضوی در «مسائل عصر ایلخانان» (صص ۳۶۹-۵۴۴) در معرفی کتابهای تاریخی تألیف شده در عهد ایلخانان.

دسته دیگر از منابع فرهنگها و دائرةالمعارفهای عمومی و تخصصی است؛ مانند «فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول»؛ «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»؛ «دائرةالمعارف تشیع»؛ «الذریعة الی تصانیف الشیعة»؛ «طبقات اعلام الشیعة»؛ «اعیان

الشیعة»؛ «معجم المؤلفی الشیعة» و نیز مجموعه‌هایی مانند «ریحانة الادب» و «روضات الجنات» خوانساری. معجمهای مربوط به سلسله‌های حکومتی را هم باید به همین دسته از منابع دانست، مانند تاریخ «دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر» اثر لین پول و دیگران؛ «سلسله‌های اسلامی» اثر باسورث و «معجم الانساب و الاسرات الحاکمة» اثر زامباور.

بخش دیگر منابع، تاریخهای عمومی است، مانند «تاریخ ابن خلدون» (العبر فی...); «جامع التواریخ» اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله؛ «تاریخ و صاف الحضرة؛ حوادث الدهور فی مدى الايام و الشهور» اثر ابن تغری بردی؛ «تاریخ الزمان» و «تاریخ مختصر الدول» از تألیفات ابن العبری؛ «الحوادث الجامعة» اثر ابن فوطی؛ «تاریخ بناکتی (روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب)»؛ «زبدة التواریخ» اثر حافظ ابرو؛ «حیب السیر» اثر خواندمیر؛ «روضة الصفاء» اثر میرخواند؛ «التاریخ الغیائی» اثر عبدالله بن فتح‌الله غیائی و «مجمل فصیحی» اثر خوافی.

دسته‌ای دیگر از منابع، تاریخهای محلی و یا تاریخهای یک دوره زمانی خاص است؛ مانند «تاریخ اولجایتو» اثر ابوالقاسم عبدالله بن محمد کاشانی (قاشانی)؛ «غازان‌نامه» (یا «مبارک غازانی») اثر خواجه نورالدین اژدری؛ «ماضی النجف و حاضرها» اثر آل محبوبه؛ «الحوزة العلمية فی النجف الاشرف» اثر محمد الغروی؛ «تاریخ شاهی» (قراختایان) مؤلف مجهول؛ «تاریخ آل مظفر» اثر محمود کتبی و «موسوعة العتبات المقدسة» اثر جعفر الخلیلی.

برخی تکنگاریها در باره وجود علمای این دوره نیز در زمره منابع سودمند است؛ مانند «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی» اثر مدرس رضوی و «شرح حال و آثار علامه قطب‌الدین شیرازی» اثر محمدتقی میر.

دسته دیگر از منابع، عموم کتابهای شیعی تألیف یافته در آن دوره است؛ کتابهای کلامی مانند «کامل بهایی»، «شرح نهج‌البلاغه» ابن میثم بحرانی؛ کتابهای فقهی مانند «الجامع للشرائع» اثر ابن سعید الحلّی، «جامع الشرائع» اثر محقق اول، «کنز الفوائد» اثر عمیدالدین اعرج، «الاقطاب الفقهية» اثر ابن ابی جمهور و کتابهای اخلاقی مانند «ارشاد القلوب» و «اعلام الدین فی صفات المؤمنین» از تألیفات دیلمی، «العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة» تألیف علی بن یوسف حلّی (برادر علامه حلّی). مجموعه آثار شخصیت‌های برجسته را نیز باید در زمره همین دسته از منابع یاد کرد؛ مانند آثار کلامی،

فقهی و اخلاقی علامه حلی؛ سید علی بن موسی بن طاووس؛ ابن فهد حلی؛ خواجه نصیرالدین طوسی و ملاحسین کاشفی.

کتابهای مربوط به تاریخ ادبیات بخشی دیگر از منابع بررسی شده را تشکیل می‌دهد؛ «تاریخ ادبیات در ایران» اثر ذبیح‌الله صفا، «تاریخ ادبی ایران» اثر ادوارد براون، «رباعی و رباعی‌سرایان از آغاز تا قرن هشتم هجری» اثر محمد کامگار پارسی و مانند آن نمونه‌های این منابع است.

دسته دیگر از منابع، منابعی است که برای شناساندن شیعه سودمند است و بر حسب ضرورت به آنها استناد شده است، مانند «اصل الشیعة و اصولها» اثر آل کاشف الغطاء؛ «شیعه در اسلام» اثر علامه طباطبایی؛ «التشیع: نشوء، مراحل و مقوماته» اثر غریفی؛ «هویة التشیع» اثر وائلی؛ «الاسلام و الشیعة (الامامة) فی اساسها التاریخی و کیانها الاعتقادی» اثر محمود شهابی خراسانی؛ «شیعه در اسلام» اثر موسی سبط و «الامامة و التبصرة من الحيرة» اثر ابن بابویه قمی.

دسته‌ای مهم و قابل توجه از منابع، آثاری است که در دوران معاصر در باره مغولان، اعقاب آنها و آشوبی که در عالم به پا کردند، نوشته شده است؛ مانند «تاریخ مغول در ایران» اثر اشیپولر؛ «تاریخ مغول» اثر عباس اقبال؛ «المغول بین الوثیة و النصرانیة و الاسلام» اثر حسن الامین؛ «اسلام در ایران» اثر پطروشفسکی (فصل آخر)؛ «سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق» اثر رشیدوو؛ «تاریخ فتوحات مغول» اثر ساندرز؛ «امپراطوری صحرانوردان» اثر رنه گروسه؛ «مغولها» اثر دیوید مورگان؛ «به یاسا رسیدگان در عصر ایلخانی» اثر معصومه معدن‌کن؛ «مسائل عصر ایلخانان» اثر منوچهر مرتضوی؛ «پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی» اثر هربرت بوسه؛ «آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل الله» اثر هاشم رجب‌زاده.

برخی از تألیفات جدید ویژه سلسله‌های کوچک حکومتی در آن دوره است که گاه در بردارنده اطلاعاتی بسیار مفید است؛ به عنوان نمونه از این کتابها می‌توان نام برد: «تاریخ آل جلایر» اثر شیرین بیانی؛ «تاریخ آل مظفر» اثر حسینقلی ستوده؛ «قراقوینلوها» اثر فاروق سومر؛ «تاریخ چوپانیان» اثر ابوالفضل نبئی؛ «تشکیل دولت ملی در ایران» اثر والتر هیئتس.

دیوان اشعار شعرايي مانند سعدی، اوحدی، مراغی، مولوی، خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی نیز در زمره منابع این تحقیق است. نوشته‌های سیاسی بازمانده از آن

دوره، اعم از آنچه به قلم نویسندگان سنی یا شیعه نوشته شده، بخشی دیگر از منابع است؛ مانند کتاب «تحفه» از نویسنده‌ای گمنام؛ «تاریخ فخری» اثر ابن طقطقی و «سلوک الملوک» اثر ابن روزبهان.

بخشی دیگر از منابع، کتابها و مقاله‌های مربوط به اندیشه سیاسی در اسلام، ایران و تشیع است که در دوران معاصر نوشته شده است؛ مانند «نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام» و «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» اثر حمید عنایت؛ «نظام الادارة المدینیه عند الشیعة الامامیه» تألیف محمد فوزی؛ «الفکر السیاسی الشیعی» اثر حسن عباس حسن؛ «نگاهی به سیستم سیاسی اسلام» تألیف محمدعلی گرامی؛ «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران» و «زوال اندیشه سیاسی در ایران» دو اثر از سیدجواد طباطبایی؛ «نظریه دولت در ایران» تألیف آن لمبتن؛ «نظام الاسلام: الحکم و الدولة» اثر محمد مبارک و «زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن» اثر محمد مسجد جمعی.

گرچه نسخه‌های خطی به یک دسته از منابع پیش گفته یا پس گفته مربوط می‌شود، به دلیل ویژگی خاص آنها به خصوص از نظر روش دسترسی باید دسته‌ای مستقل به حساب آید. نکته بسیار مهم در باره این نسخه‌ها، کافی نبودن اطلاعات مندرج در فهرستها و لزوم مطالعه دقیق متن آنها برای شناسایی اطلاعات مورد نیاز است. برخی نسخه‌ها مورد استفاده این کتاب چنین است: «تاریخ جعفری» تألیف جعفر بن محمد حسینی؛ «اعراض السیاسة فی اغراض الریاسة» اثر کاتب سمرقندی؛ «تاریخ تیموریان و مغول» از مؤلفی گمنام؛ «ترجیع بندی در ستایش شهر سلطانیه و ابوسعید» از سراینده‌ای گمنام؛ «تاریخ خیرات» یا «احسن التواریخ» یا «اصح التواریخ» اثر موسوی خراسانی؛ نسخه‌ای بدون نام کتاب و نام مؤلف در باره تاریخ مغول و تاریخ اسلام که تصویری از آن در دفتر نشر میراث مکتوب ایران اسلامی قرار دارد و...

دسته‌ای دیگر از منابع مقدمه‌ای است که مصححان بر کتابهای تازه تصحیح شده نوشته‌اند و به یمن همت و پشتکار خود گاه کمک‌هایی بسیار سودمند و فراتر از حد انتظار به پژوهشگران می‌رسانند. امروزه، این مقدمه‌ها بدون تردید از منابع بسیار مهم و غیرقابل چشم‌پوشی تحقیق در مسائل تاریخی به شمار می‌رود. نمونه‌هایی از این نوع مقدمه‌ها چنین است: مقدمه محمد مهدی خراسان بر «الالفین» اثر علامه حلی؛ مقدمه مؤسسه النشر الاسلامی بر «الدروس الشرعیة» اثر شهید اول؛ مقدمه محمد مهدی الآصفی بر «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» اثر شهید ثانی؛ مقدمه رضا مختاری بر «غایة

المراد فی شرح نکت الارشاد» اثر شهید اول؛ مقدمه سید محمدرضا جلالی نایینی بر «مواهب علیه» اثر ملاحسین کاشفی؛ مقدمه رسول جعفریان بر «وسيلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم(ع)» اثر ابن روزبهان خنجی؛ مقدمه سید محمد مشکوة بر «درة التاج» اثر قطب‌الدین شیرازی و مقدمه مجتبی مینوی بر «اخلاق ناصری» اثر خواجه نصیرالدین طوسی.

از مجلات و نشریات تخصصی نیز باید در زمره منابع یاد کرد؛ مجلاتی مانند فرهنگ ایران‌زمین، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، مجله یغما، مجله وقف: میراث جاویدان و کیهان اندیشه. بدیهی است مجموعه مقاله‌هایی مانند «یادنامه علامه امینی»، «مقاله‌ها و رساله‌های رشید یاسمی»، «مجموعه خطابه‌های تحقیقی در باره رشیدالدین فضل‌الله» و «مجموعه مقالات کنگره‌های ایران‌شناسی» نیز در همین جا باید اشاره کرد.

پایان‌نامه‌های تحصیلی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های تاریخ و ادبیات فارسی نیز باید در شمار منابع آورده شود؛ گرچه متأسفانه در کشور ما هنوز پایان‌نامه‌ها گویی یک سند علمی به حساب نمی‌آید و عملاً امکان استفاده از آنها و استناد به آنها وجود ندارد. در این اثر به چند پایان‌نامه در دانشگاه امام صادق(ع) و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در باره تقیه و رشد شیعه در قرن هفتم تا نهم و اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین و شرح احوال و آثار شعرای این دوره مراجعه شده است. بخشی دیگر از منابع که مناسبتی ویژه دارد، تجربیات، رهنمودها و مشاوره‌های استادان و صاحب‌نظران است. در نگارش این اثر افزون بر استادان محترم راهنما و مشاور از هر فرصتی برای گفتگو و استفاده از محضر هر صاحب‌نظر و پژوهشگری که به احتمال سخنی در باره موضوع پژوهش داشته باشد و امکان بهره بردن از محضر او وجود داشت، استفاده شده است.

و سرانجام، باید دیگر منابع را منابع متفرقه نامید؛ منابعی مربوط به فرقه‌شناسی، نسب‌شناسی، دوره‌های تاریخی پیش و پس از مقطع اصلی بررسی شده که گاه بدان نیاز افتاده است و نیز سکه‌ها، بناها و منابع مربوط به آن که چون موارد اشاره به آنها اندک بوده است، جزء متفرقات ذکر شد و الا باید منبعی مستقل و مهم به شمار رود و در زمره همین دسته از منابع «وقفنامه ربع رشیدی» و «وقفنامه سالاریه» را باید ذکر کرد.

۴-۱. مروری کوتاه بر اوضاع و احوال سیاسی دوره بررسی شده

حمله ویرانگر مغولان به فرماندهی چنگیزخان به ایران که از سال ۶۱۶ق. آغاز شد، سرآغاز تحولی مهم نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام گردید.^۱ شاید در نخستین لشکرکشیهای مغولان هیچ کس تصور نمی کرد که در مدتی نه چندان دراز بخشی بزرگ از قلمرو پهناور جهان اسلام زیر سیطره مغولان قرار گیرد. هولاکوخان نواده چنگیز کار نیای خود را به پایان برد و با فتح بغداد و به قتل رساندن خلیفه،^۲ ۶۵۶ سال پس از

۱. در باره هجوم چنگیزخان و تحلیل آن منابعی فراوان در دست است، از جمله رک. یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۱۴ ذیل مرو؛ ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۳۵۸ و پس از آن؛ جوینی، ج ۱، بسیاری جاها از جمله صص ۴-۵ و صص ۱۲۶-۱۴۰ و ۱۰۸ به بعد؛ قاضی منهای سراج، ج ۲، صص ۹۰-۲۲۱؛ و صاف الحضرة، ص ۳۶۳؛ و در باره آداب ناپسند و سنگدلی و نیرنگ آنها در جنگ، کارپن، صص ۶۵-۷۱؛ ابن کربلابی، ج ۲، صص ۳۲۹-۳۳۱؛ غیانی، صص ۳۶-۴۲؛ ابن العبری (تاریخ الزمان)، صص ۲۵۸-۳۰۹؛ ذهبی (العبر)، ج ۳ ص ۱۶۸، به بعد (به طور پراکنده)؛ هندوشاه نخجوانی، صص ۳۵۶-۳۶۰؛ فصیحی خوافی، ج ۲، صص ۲۸۹-۲۹۹؛ خواندمیر (حیب السیر)، ج ۳، صص ۲۷-۴۶؛ میرخواند، ج ۴-۶، صص ۸۴۷-۸۵۷؛ ابن خلدون، ج ۵، صص ۱۱۱-۱۱۸ و صص ۱۴۰-۱۴۵ و به طور پراکنده در حوادث سالهای بعد ابن ابی الحدید، ج ۸؛ صص ۲۱۸-۲۴۳؛ نسوی، جاهای مختلف از جمله لب در کتاب چنگیزخان؛ جعفری مذهب در مقاله «اتهام فراخوانی مغولان» صص ۴۸-۶۲ و صص ۱۲۹-۱۳۲ و صص ۳۴۳-۳۴۷؛ همان (چاپ مینوی)، صص ۵۲-۶۳ و صص ۱۱۰-۱۱۳ و صص ۲۴۱-۲۴۵ و صص ۲۷۴-۲۷۸؛ قزوینی (لب التواریخ)، صص ۲۲۴-۲۳۱؛ اقبال (تاریخ مفصل ایران)، صص ۴۱۳-۴۴۳؛ ساندرز، به ویژه فصل ۴ به بعد؛ اشپولر، (تاریخ مغول در ایران)، صص ۲۳-۳۸؛ مورگان، صص ۱۶۴-۲۰۹؛ الامین (المغول بین...)، صص ۳۳-۱۲۶؛ سایکس، صص ۹۶-۱۱۸؛ بارتولد، فصل چهارم (چنگیزخان و مغولان) و فصل پنجم (ترکستان در زیر سلطه مغولان)؛ رضایی (تاریخ ده هزارساله)، ج ۳، صص ۱۶۶-۱۷۵؛ لمبتن (تداوم و تحول)، صص ۲۱-۳۵ با کلیاتی در باره پیامدهای آن؛ گریمرگ، ج ۴، صص ۳۲۷-۳۳۲؛ ثروت (تحریری نواز تاریخ جهانگشا)، صص ۲۷-۱۴۸؛ ستوده، حسینی در «نقش مردم ایران در...»؛ بارکهاوزن، صص ۹۴ به بعد؛ تسف (چنگیزخان)، صص ۱۵۳-۱۶۶؛ و برای اطلاع از اوضاع اجتماعی مغولها همو در کتاب «نظام اجتماعی مغولها» و برای گزارشی از منابع رک. سوازه، صص ۳۰۰-۳۱۲ و کاهن، صص ۲۵۰-۲۶۰

در باره ویرانها و دهشت انگیز بودن کشتاری که مغولان به راه انداختند، در منابع قدیم و جدید سخن بسیار رفته است. به عنوان نمونه: رک. جوینی، ج ۱، ص ۳ و ص ۷۵ و ص ۱۴۰؛ نسوی، صص ۱-۲؛ مستوفی (تاریخ)، ص ۵۸۲؛ ذهبی (العبر)، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۲. منابع مربوط به سقوط بغداد و قتل خلیفه عباسی در پاورقی مربوط به ایلخانان و نیز فصل سوم معرفی شده است. تنها به عنوان نمونه رک. ابن فوطی، صص ۳۲۳-۳۳۵؛ ابن طقطقا، صص ۳۳۳-۳۳۹؛ سعدی جوینی، ج ۳، ص ۱۱۴-۱ و در چاپ رضائی، صص ۲-۴۴؛

سعدی در قصیده‌ای با مطلع زیر از این فاجعه تحسر خورده است (کلیات سعدی، صص ۸۵۸-۸۵۹):

آسمان را حق بود گر خون بگریید بر زمین
ببر زوال مستعصم امیرالمؤمنین

هجرت پیامبر(ص) قدرت خلافت را از قسمت بزرگی از جهان اسلام حذف کرد و مسلمانان که افزون بر رعب بی سابقه و مثال زدنی از مغولان،^۱ واهمه درهم پیچیده شدن جهان بدون خلیفه را نیز در دل داشتند،^۲ زندگی در پرتو اقتدار خان مشرک مغول را تجربه کردند.

از سقوط بغداد در سال ۶۵۶ق. تا سال ۹۰۷ق. که شاه اسماعیل صفوی در اردبیل تاج پادشاهی بر سر نهاد، چندین خاندان در نواحی مختلف ایران حکم رانده‌اند؛ برخی از این حکومتها از قبل وجود داشتند و در این دوره به پایان عمر خود رسیدند؛ برخی در این دوره پدید آمدند و از میان رفتند و دسته‌ای دیگر در این دوره به وجود آمدند.

۱. به عنوان نمونه به اظهار نظرهای زیر توجه فرمایید:

«در ماجرای سقوط مراغه به دست مغولان) و قدموا اساری المسلمین بین ایدیهم و هذه عادتهم یتترسون بهم فی الحروب فیصیبهم حدھا و یسلمون هم من مضرتها، فملکوها عنوةً و وضعوا السیوف فی اهلها و نهوا ما یصلح لهم و احرقوا ما لا یصلح لهم و خذلّ الناس عنهم حتی کان الواحد منهم یقتل بیده مائة انسان والسیوف فی ایدیهم لا یقدر احدٌ منهم ان یحرک یده بسیفه نحو ذلک التتری، خذلان صب علی الناس و امر سمائی اقتضاه (ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۳۱).

«سمعت... ان رجلاً من التتر دخل درباً فیہ مائة رجل، فما زال یقتلهم واحداً واحداً حتی افناهم و لم یمتد احد یده الیه بسوء و وضعت الذلّة علی الناس فلا یدفعون عن نفوسهم قلیلاً و لا کثیراً، نعوذ بالله من الخذلان» (ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۳۷۸)،

همو در جایی دیگر ضمن نقل خاطره‌ای دوباره به این موضوع اشاره کرده و بر آن حسرت خورده است (ج ۱۲، صص ۵۰۰-۵۰۱). سعدی نیز در قصیده‌ای که در پاورقی پیش به آن اشاره شد، ابیاتی را به ذکر بی‌فایده بودن هر نوع مقابله در مقابل مغولان اختصاص داده است (کلیات سعدی، صص ۸۵۹-۸۶۰).

۲. گفته شده که وقتی هولاکو برای تصمیم‌گیری در باره فتح بغداد رایزنی می‌کرد، به او گفتند:

«مبارک نباشد قصد خاندان خلافت کردن و لشکرها به بغداد کشیدن، چه تا غایت وقت هر پادشاه که قصد بغداد و عباسیان [کرد] از ملک و عمر تمتع نیافت. اگر پادشاه سخن بنده نشنود و آنجا رود، زود شش فساد ظاهر شود: اول آن که همه اسبان بمیرند و لشکریان بیمار شوند؛ دوم: آفتاب بر نیاید؛ سیوم: باران نیارد، چهارم: باد صرصر خیزد و جهان به زلزله خراب شود؛ پنجم: نبات از زمین نروید؛ ششم: آنکه پادشاهی بزرگ در آن سال وفات کند.» (رشیدالدین فضل‌الله (جامع التواریخ)، ج ۲، ص ۱۰۰۶)،

و در ادامه همین رایزنیها بوده که هولاکو با خواجه نصیرالدین طوسی نیز مشورت کرده و خواجه نصیر گفته است: «از این احوال هیچ یک حادث نشود. فرمود که پس چه باشد؟ گفت: آن که به جای خلیفه، هولاکو خان بود» (همان، ص ۱۰۰۷).

ابن ابی الحدید نیز پیش از سقوط بغداد و پس از یک حمله ناکام مغولان به بغداد نگرانی خود را از پیامد سقوط بغداد این گونه اظهار می‌دارد:

«ولو حدث علی بغداد منهم حادثه، کما جرى علی غیرها من البلاد، لانقرضت ملة الاسلام و لم یبق لها باقیة» (ص ۲۴۱).

ولی تا پس از آن دوام یافتند. برای اطلاع از اوضاع و احوال این دوره گزارشی بسیار فشرده از این حکومتها در پی می‌آید:

۱-۴-۱. ایلخانان (۶۵۴-۷۴۴ق)

منکوقا آن خان بزرگ مغول در سال ۶۵۱ق. برادرش هولاکو را روانه ایران کرد. وی پس از سرکوب امرای محلی در ۶۵۴ق. با تصرف قلعه‌های مستحکم اسماعیلیه که بیش از صد و پنجاه سال در مقابل هر هجومی مقاومت کرده بود، راه را برای حرکت به سمت بغداد هموار ساخت و با فتح بغداد در سال ۶۵۶ق. تا شام پیش تاخت، ولی در سال ۶۵۸ق. بیبرس بندقداری از سلطانه‌های مملوک مصر او را از پیشروی بازداشت. هولاکو که گرچه «در عهد او عنوان فرمانها به نام قآن بودی و دیوان بر در ارغون»^۱ یکی از پهناورترین حکومتها را در جهان اسلام به پایتختی مراغه تأسیس کرد. اقتدار ایلخانان کمتر از یک قرن پایید. هولاکو که در وصف او در اوایل قرن نهم گفته‌اند: «اگر چه کافر بود عدالتی تمام داشت»^۲ در سال ۶۶۳ق. از دنیا رفت. پس از او اباقاخان بر تخت نشست. وی تبریز را پایتخت کرد. وصلت او با دختر امپراطور روم موجب افزایش نفوذ مسیحیت شد. پس از مرگ او در ۶۸۰ق. تکودار (ح ۶۸۱-۶۸۳ق.)، ارغون (ح ۶۸۳-۶۹۰ق.)، کینخاتو (ح ۶۹۰-۶۹۴ق.)، بایدو (۶۹۴ق.) و غازان محمود (۶۹۴-۷۰۳ق.) به حکومت رسیدند. سلطان اخیر نخست یاسای چنگیز را احیا کرد، ولی سپس نخستین خان مغول بود که اسلام اختیار کرد و نام اسلامی (محمود) بر خود نهاد.^۳ جانشین او اولجایتو که محمد خدا بنده یا خور بنده نخستین پادشاهی بود که شیعه شد و «در دولت خود جهان را بیاراست که تا دور دامن قیامت از آن بازگویند»^۴ ابوسعید بهادرخان در سال ۷۱۶ق. به جای اولجایتو بر اریکه حکومت تکیه زد و با مرگ او در

۱. مستوفی (تاریخ گزیده)، ص ۵۹۰.

۲. نطنزی، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۱۳۷. همو در مدح غازان گفته است:

«پادشاه مغول که در ایران زمین بودند، مجموع نیکو معاش بودند. فاما بنیاد مسلمانی از ایشان غازان محمودخان کرد... و او چشم و چراغ دودمان چنگیزخان بود. توان گفت که مقصود از ظهور چنگیزخان او بوده باشد. در تقویت دین اسلام باقصی الغایات و الامکان کوشید... آفتاب دین محمدی به سعی و اهتمام او تابان گشت (نطنزی، ص ۱۳۷).

۴. همان، ص ۱۴۲.